

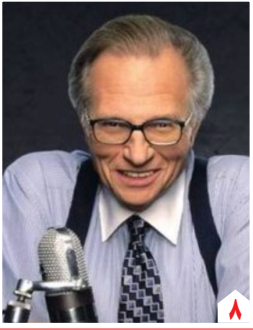


تلاش جناح راست برای تکرار تجربه درون گروهی سال ۹۶
رئیس منجی
اصول گریان می شود؟

دوشنبه ۶ بهمن ۱۳۹۹_ ۱۱ جمادی الثانی ۱۴۴۲_ ۲۵ ژانویه ۲۰۲۱

شهردار

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران



«لری کینگ» مجری مشهور تلویزیونی پس از ابتلا به کرونا، درگذشت
پایان حکمرانی سلطان گفت و گو

سال ششم _ شماره ۱۶۱۶ _ صفحه ۸ _ قیمت ۲۰۰۰ تومان

سیلی نماینده بر صورت سرباز وطن در کانون گمانه‌زنی
تشکیک مجلس تأیید پلیس

دلار کوتاه بیاید گرانی ماندگار است

دمای منفی ۵۰ درجه نیز مانع از اعتراضات علیه پوتین نشد
چالش جدید آقای تزار

عذرخواهی رئیس صداوسیما از رئیس جمهور

طعم تلخ غذاهای دریایی در کام اقشار ضعیف

رئیس انجمن مددکاران ایران در گفت‌وگو با همدلی
مسائل پیچیده اجتماعی را خیلی آسان گرفتیم

مخالفان دولت در فاز پرونده‌سازی

قاسم میرزایی نیکو در گفت‌وگو با همدلی مطرح کرد:

همدلی | این روزها فضا علیه دولت روحانی تندتر شده است. از سوی مجاری پرحاشیه احضار و بازجویی آذری جهرمی، وزیر ارتباطات مطرح شده و از سوی دیگر یکی از شبکه‌های تلویزیونی صداوسیما ادبیات نامناسب و ناسزا خطاب به رئیس جمهور را پخش می‌کند. البته تقریباً هر روز نیز اظهار نظرهای متعددی از سوی اصول‌گرایان در نقد و هجمه به دولت منتشر می‌شود. از آنجا که نزدیک به زمان انتخابات می‌شویم، معلوم است که این فضا از



نگاهی به حواشی ماجرای تبلیغ ملک در دویچه، از سوی بازیگر ارزشی

از غسل تختی تا «لایف استایل» هاشمی



نگاهی به تغییرات در مواضع وزیر پیشین ارشاد

هجرت‌های مهاجرانی

نگاهی به تغییرات در مواضع وزیر پیشین ارشاد
هجرت‌های مهاجرانی

انتقاد رسانه‌ها و محافل اصول‌گرا واقع شده بود و بارها درخواست استیضاح او از سوی مجلس اصول‌گرای پنجم نیز مطرح شد، تا آنکه دو سال بعد در یک جلسه پرحاشیه، توانست بسیاری از منتقدان خود در مجلس پنجم را قانع کند که برای بار دوم به او اعتماد کنند و این رکوردی بود برای یک وزیر با آن همه مخالف سیاسی و رسانه‌ای. با این همه، آن‌قدر که او محبوب دل‌رای‌دهندگان به رئیس جمهور خاتمی بود، مورد غضب اصول‌گرایان بود و سرانجام فشارها او را وادار کرد که از وزارت ارشاد کناره‌گیری کند.

زندگی خصوصی در معرض رسانه‌ها

پس از وزارت، مهاجرانی با حکم خاتمی ریاست مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها را برعهده داشت. مرکزی تازه تأسیس که پس از اقبال جهانپان به ایده گفت‌وگوی تمدن‌ها مطرح شده از سوی رئیس دولت دهم، برای پیگیری این ایده مهم، موضوعی که البته به جای نرسید، اما مهاجرانی در این سال‌ها از سوی رسانه‌های اصول‌گرا فراموش نشد. او در این زمان چندان حضوری در عرصه سیاست و عملکردی برای نقد نداشت، تا این که این رسانه‌های شیاعی پیرامون زندگی خصوصی‌اش را دستمایه حملات خود قرار دادند. در این مرحله است که او ترجیح می‌دهد جایی دور از دسترس این مهاجران برای خود دست بپا کند و خروج از کشور، از نظر او انتخاب خوبی بود. لندن پایتخت انگلستان که همیشه منتهم به دخالت در امور ایران بوده است.

اسم رمز: فراری لندن نشین

خروج او از کشور اما او را از این فضا دور نکرد. «فراری لندن نشین» عنوانی بود که در این سال‌ها از سوی رسانه‌های اصول‌گرا برای او به کار می‌رفت. حوادث انتخابات ۸۸ او نیز در خارج از کشور فرصت بیشتری داشت تا مخالفت‌هایش با روند حاکم بر انتخابات را صریح‌تر بیان کند. برخی انتقادات او از نظام در این مرحله است که خود را نشان می‌دهد و مهم‌تر از همه حضور مکرر او در شبکه بی‌بی‌سی فارسی او را بیشتر در کانون حملات و انتقادات قرار داد.

بازگشت به فضای سیاسی

مهاجرانی اما اکنون چهره جدیدی به خود گرفته است. برخی از مواضع‌گیری‌های وی به شدت از سوی رسانه‌های اصول‌گرا مورد استقبال قرار می‌گیرد و در دو سال اخیر او از لیست سیاه آنان خارج شده است. او که در این موقعیت ارتباطش با بی‌بی‌سی فارسی را قطع کرده، ترجیح می‌دهد که مواضعش را از طریق شبکه اجتماعی توییتر ابراز کند. ابراز ارادت مکرر به سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، تمجید از عملکرد رهبر انقلاب در چندسال اخیر، انتقاد از برخی چهره‌های ساختار شکن روحانی و غیرروحانی مخالف نظام از جمله مواضعی است که او را به فضای سیاسی داخلی بیشتر مرتبط کرده است. اگرچه هنوز برخی از رسانه‌های اصول‌گرا این تغییرات او را نپذیرفته‌اند. چندسال پیش یکی از این رسانه‌ها یک مصاحبه او را «تلاش‌های ناشیانه برای بازگشت به ایران» توصیف کرد و نوشت: «آقای مهاجرانی! ننگ همسویی با صهیونیست‌ها در او هفت سال بعد در مقام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از سوی رئیس جمهور خاتمی عنوان «پنت‌الوز» را دریافت کرد و در جلسه رای اعتماد به او، دقایقی که رئیس جمهور خاتمی از وقت خود به عنوان وقت دفاعیات مهاجرانی اضافه می‌کرد، وضعیت او را در این دولت به خوبی نشان می‌داد. محبوبیت و تسلط او بر حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی سبب شد تا به عنوان سخنگوی دولت نیز منصوب شود. اما او روزگار دشواری را در این مقام گذراند. به علت سیاست‌های فرهنگی خود مدام مورد

همدلی | شاید دورترین اتفاق مهمی که درباره عطاءالله مهاجرانی بتوان برشمرد، ماجراهای مرتبط با یادداشت او درباره «هنذاکره مستقیم» با آمریکا باشد؛ زمانی که این چهره سیاسی معاون پارلمانی رئیس جمهور هاشمی رفسنجانی بود. با این همه، او آن‌قدر ظرفیت داشت که بازم در فضای سیاسی و رسانه‌ای ایران مطرح شود، به مقام وزارت برسد، و حتی برخی درباره او احتمال ریاست جمهوری دهند. اما اتفاقات آن‌چنان که برخی پیش‌بینی می‌کردند، نشد و محمود احمدی‌نژاد برآمد و همه پیش‌بینی‌ها غلط از آب درآمد. روزگار اما بر عطاءالله مهاجرانی طسور دیگری چرخید، او که روزگاری در مقام وزیر ارشاد دولت اصلاحات، هدف حملات سنگین تپوخته جناح راست قرار گرفت و پس از یک استیضاح و رای اعتماد دوباره از مجلس اصول‌گرا ناچار به کناره‌گیری شد. کمی بعد با انتشار شایعاتی پیرامون زندگی خصوصی‌اش از سوی رسانه‌های اصول‌گرا، او مجبور به ترک کشور شد و در لندن ساکن شد تا هرگاه رسانه‌های مخالف با سابقه اصلاح‌طلبی‌اش لازم دیدند عنوان «فراری لندن نشین» را برایش به کار ببرند. او در طی حضور نزدیک به ۱۷ سال خروج از کشور و قطع ارتباط ارگانیک با جناح اصلاح‌طلب، رابط‌هایش با رسانه‌ها و محافل اصول‌گرا با نموداری سینوسی قابل فهم است و این روزها به دلیل برخی مواضعی که عمدتاً از طریق توییتر ابراز می‌کند، مورد اقبال اصول‌گرایان واقع شده است. نگاهی به این رابطه وضعیت را بهتر نشان می‌دهد.

شدت حمله کیهان و دلجویی رهبری

مهاجرانی در ششم اردیبهشت ۱۳۶۹ در زمانی که معاون پارلمانی رئیس جمهور هاشمی رفسنجانی بود، طی مقاله‌ای تحت عنوان «هنذاکره مستقیم» در روزنامه اطلاعات خواستار گفت‌وگوی مستقیم دو کشور برای حل مشکلات فی‌مابین بود. مقاله‌ای که به‌زودی در فضای سیاسی ایران واکنش برانگیز شد. رهبر انقلاب در یک سخنرانی مخالفت شدید خود درباره مذاکره با آمریکا را اعلام کرد و از آن پس روزنامه کیهان موجی از حملات را علیه مهاجرانی ترتیب داد. حملات آن‌قدر شدید بود که رهبر انقلاب در نامه‌ای به «برادر گرمی، آقای عطاءالله مهاجرانی» از وی دلجویی کرد. در نامه رهبر انقلاب آمده است: «شنیدم بعضی‌ها از حرف‌های امروز من، قصد طعن و توهینی نسبت به جناب‌عالی استنباط کرده‌اند و شاید بعضی خواسته‌اند یا بخواهند آن را مستمسکی برای اهانت به شما بسازند. اعلام می‌کنم که این استنباط غلط است. من یک فکر را خطئه کرده‌ام و نیت توهمین به کسی نداشته‌ام و اگر بدون اراده‌ی من به شما توهمین شده است، از شما عذر می‌خواهم. من شما را ده سال است به صدق و صفا و طهارت می‌شناسم و مطمئنم جز دلسوزی و خیرخواهی، نظری نداشته‌ام. شما همچنان برادر خوب من هستید و حداکثر آن است که به توصیه شما در مقاله «هنذاکره مستقیم» عمل نخواهیم کرد.» البته در حمله آن روز به مهاجرانی کیهان تنها نمود، بلکه برخی از گروه‌های سیاسی چپ و راست هم در این حملات همدستان بودند. مهاجرانی در این باره گفت: «اگر همان یادداشت صمیمانه مقام رهبری نبود، روشن نبود سرانجام نویسنده آن مقاله به کجای انجامید.»

محبوب مردم و مغفور اصول‌گرایان

او هفت سال بعد در مقام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از سوی رئیس جمهور خاتمی عنوان «پنت‌الوز» را دریافت کرد و در جلسه رای اعتماد به او، دقایقی که رئیس جمهور خاتمی از وقت خود به عنوان وقت دفاعیات مهاجرانی اضافه می‌کرد، وضعیت او را در این دولت به خوبی نشان می‌داد. محبوبیت و تسلط او بر حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی سبب شد تا به عنوان سخنگوی دولت نیز منصوب شود. اما او روزگار دشواری را در این مقام گذراند. به علت سیاست‌های فرهنگی خود مدام مورد

یادداشت

میان ایران و آمریکا چه خواهد گذشت؟

جعفر حنایی
 کارشناس مسائل سیاسی

بسیاری از تحلیل‌گران روابط ایران و آمریکا، از ماه پیش از انتخابات آمریکا، به این امر معتقد بودند که ایران می‌بایستی تا زمان انتخابات آمریکا سیاست صبر استراتژیک خود را تداوم بخشد و در صورت پیروزی جو بایدن، سیاستمدار کهنه‌کار و دست چپی آمریکایی، بسنان دوران خلف او، یعنی اوباما، بار دیگر پنجره منطقی بساط گفت‌وگو میان ایران و آمریکا گشایش یابد. و امروز چه زمانی آغاز خواهد شد؟ در پاسخ به تحلیل‌گران می‌پنداشتند و سوال مهمی از بی‌رحمدان مورد انتظار اینان پدید آمده که حال که شرایط به گونه‌ای رقم خورده که تیم بایدن بر سر کار آمده، باید منتظر چه بود؟ و آیا اساساً مذاکره‌های درخواهد گرفت؟ و در صورت از سرگیری مذاکرات این امر از چه زمانی آغاز خواهد شد؟ در پاسخ به سوال نخست؛ باید منتظر این بود که دو کشور آرام آرام، بنسبت را برای احیای دوباره تعامل و گفت‌وگو باز کنند، چه این‌که در زمان دولت ترامپ، رشته‌های بسیاری از دو جانب گسسته شد و تلطیف جو حاکم بر این دو کشور برای تعاملی دوباره نیازمند اندک زمانی خواهد بود تا دو گروه از موافق پیش روی خود بکاهند. بنابر این، آنچه که در آینده نزدیک و این روزها شاهد آن خواهیم بود، در حقیقت ترمیم و تلطیف راه پیشین است. اما در پاسخ به سوال دوم، به طور قطع شاهد تعامل و گفت‌وگو میان این دو دولت در آینده خواهیم بود و این امر ربطی به انتخابات سال آینده ایران هم نخواهد داشت، چه این‌که اساساً هر دولتی که در سال آینده بر سر کار بیاید، پنجره تعامل با آمریکا را در پیش روی خود خواهد داشت و این یک مسئله قطعی و مرتبط با منافع ملی است. در حقیقت هر دو این کشورها به نوعی نیازمند به این تعاملات و به سرانجام رسیدن آن هستند. از یک طرف ایرانی است که به نوعی می‌خواهد با حل این مسئله، هر چه سریع‌تر به اصلاح و ترمیم مسائل داخلی در بعد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی همت گمارد و این مهم تا زمان باز بودن پرونده تعامل این دو کشور، مدام تعلیق خواهد شد و با این‌که دولت‌ها باید و شاید به آن رسیدگی نکنند. و از طرف دیگر هم کشور آمریکا به دلایلی چند نیازمند به سرانجام رسیدن این مذاکرات است. نخستین دلیل این است که هم در میان هسته اصلی قدرت در آمریکا و هم در میان افکار عمومی آمریکا، سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه، با موفقیت همراه نبوده و از این بی‌سرنجامی نیروهای نظامی و سیاستمداران خود به نوعی دلسرد شده‌اند. از این رو اینان امیدوارند با حل مسئله ایران در کنار مسئله صلح در افغانستان، بتوانند به نوعی در نظر خودشان بالانس در منطقه ایجاد کنند و رفته رفته از این منطقه خارج شوند؛ از طرف دیگر حتی این احتمال هم وجود دارد که آمریکایی‌ها خواهان این باشند که با حل مسئله ایران، نیروهای نظامی و تمرکز اصلی خود را از سمت غرب آسیا به سمت شرق آسیا منتقل کنند و برای چالش‌های جدی‌تری که در آینده با آن روبه‌رو خواهند شد، برنامه‌ریزی کنند.

ادامه در صفحه ۳

یادداشت

داینامیک ناآرامی‌ها و اعتراضات روسیه

دکتر صلاح‌الدین هرسنی
 کارشناس مسائل بین‌الملل

مسکو به همراه سنت پترزبورگ و سایر بخش‌های اروپایی روسیه در روزهای اخیر شاهد تظاهرات و اعتراضات گسترده بوده است. این تظاهرات که به حمایت از «آلکسی ناولتی» از مخالفان سرسخت کرملین و منتقدان ولادیمیر پوتین به راه انداخته شد، به بزرگ‌ترین اعتراضات در چند سال اخیر در روسیه یاد شده است. نظر به آنکه این اعتراضات به صورت خشونت‌آمیز مورد سرکوب نیروهای امنیتی و پلیس روسیه قرار گرفته به نظر نمی‌رسد که فروکش کند، چراکه دومینوی این اعتراضات از مسکو به ده‌ها شهر دیگر روسیه نیز رسیده است. حال و با توجه به دومینوی این اعتراضات ضد دولتی، پای این پرسش به میان می‌آید که داینامیک چنین ناآرامی و اعتراضاتی چیست و آیا اساساً حمایت از آلکسی ناولتی و تبدیل شدن آن به یک جنبش جدید ضد دولتی می‌تواند شروعی برای پایان پوتینیسم و شروعی برای تحولات بهار مسکو باشد؟ از منظر علت‌شناسی، گذار روسیه به اقتدارگرایی علت اصلی ناآرامی‌ها و اعتراضات اخیر روسیه است و صرف راه‌اندازی تظاهرات و دومینوی آن به شهرهای دیگر، آن هم با هدف حمایت معترضان از آلکسی ناولتی، در حکم تقلیل دادن ریشه و علل ماجرا و نیز تحلیل ساده مسائل جاری در روسیه است. چراکه آلکسی ناولتی تنها فرد منتقد و مخالفی نیست که در لیست سیاه ولادیمیر پوتین با سم مسموم شده باشد. در گذشته نیز نام منتقدان فراوانی در لیست سیاه پوتین قرار داشته که او آنها را از صحنه قدرت و از مدار اپوزیسیون خارج کرده است. سرگی اسکریپال و دخترش یولیا، پیوتر وروزیلوف فعال حقوق بشری، ولادیمیر کارا مورزا، امیلیان گبروف تاجر اسلحه، الکساندر برلیچینی کارآفرین تبعیدی روسی، آنا پولیتکوفسکایا روزنامه‌نگار منتقد، کارینا موسکالانکو کیل آن پولیتکوفسکایا، الکساندر لیتوینینکو جاسوس سابق و منتقد دولت روسیه و یوری شیکوچیکین روزنامه‌نگار و سیاستمدار همگی در زمره مخالفان و چهره‌های مطرح اپوزیسیون ولادیمیر پوتین بوده‌اند که همه آنها به یک روش و مشخصاً از طریق مسمومیت از صحنه قدرت خارج شده‌اند. اگر چه مسمومیت و از صحنه خارج کردن همه این منتقدان دستمایه اعتراضاتی در روسیه شده است، اما به نظر می‌رسد که قضیه آلکسی ناولتی که او نیز سرنوشتی جز مسمومیت با سم برایش نوشته نشده، کمی جدی است و می‌تواند عامل شتاب‌زا و کاتالیزوری برای پایان پوتینیسم و سر آغاز جنبش ضد دولتی و شروعی برای تحولات بهار مسکو باشد. به عبارت دیگر آلکسی ناولتی علت قریب اعتراضات نیست، اما می‌تواند علت بعید باشد و علت قریب و داینامیک اصلی ناآرامی‌های روسیه همان اقتدارگرایی و رفتارهای گریز از مرکز ولادیمیر پوتین است. انتخابات یک‌قطبی و تک‌حزبی و پایین بودن آستانه مدارا و تسامح در مواجهه با مخالفان و اپوزیسیون و برگزاری فرمانده برای ریاست جمهوری تا سال ۲۰۲۶ همگی از نشانه‌های نظام سیاسی اقتدارگرایی است که در روسیه تحت صدارت ولادیمیر پوتین به کرات به نمایش در آمده است.

ادامه در صفحه ۳

نماینده گانی که از جنس مردم نیستند

ولی‌الله شجاع پوریان
 مدیرمسئول

در دو روز گذشته فایل تصویری سخنان یک سرباز راهور نیروی انتظامی منتشر شد که در آن گفته می‌شد یک نماینده مجلس که قصد داشت بدون مجوز از خط ویژه خودروهای عمومی و امدادی عبور کند و با ممانعت یک سرباز وظیفه‌شناس مواجه شد، به صورت این مأمور قانون سیلی زد و از این طریق جنجالی در افکار عمومی پدید آورد. دوطرف این جدال اگر چه دو شخص عادی بودند، اما در کسوتی بودند که در یک چیز وجه اشتراک داشتند: قانون. درگیری‌شان نیز حول همین محور بود، یکی می‌خواست از قانون عبور کند، اما دیگری مانع شد و آن یکی با سیلی صورت قانون را نواخت. برای درک بهتر موضوع چند ملاحظه در این باره لازم است.

۱- به یقین حفظ امنیت از اصلی‌ترین وظایف هر حکومتی به شمار می‌آید، امنیت فقط به مرزها محدود نمی‌شود، بلکه شهروندان حق دارند در محدوده زندگی خود در ابعاد مختلف دارای امنیت باشند، حکومت‌ها برای تأمین امنیت و نظم از طرق مختلف استفاده می‌کنند، یکی از این طرق تأمین و تربیت نیروی انسانی در قالب و طرح خدمت سربازی است. در آموزه‌های دینی سرباز از جایگاه والایی برخوردار است. حضرت علی(ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «سربازان به فرمان خدا، پناهگاه استوار رعیت و زینت و وقار زمامداران، شکوه دین و راه‌های تحقق امنیت کشور هستند.»

ادامه در صفحه ۲

برای صف‌آرایی اصول‌گرایان(به عنون موافق) و اصلاح‌طلبان(در مقام مخالف) تبدیل شده‌است، مهاجرانی در این مورد به طور کلی با اصول‌گرایان همدلی بیشتری نشان داده است؛ موضوعی که واکنش برخی از چهره‌های سیاسی و رسانه‌ای اصلاح‌طلب و نزدیک به دولت را برانگیخت. مهاجرانی چند روز پیش در حساب کاربری خود در توییتر با گره زدن موضوع رئیس جمهور نظامی به سردار شهید سلیمانی، نوشت: «دولت نظامی؟! اگر سردار شهید قاسم سلیمانی حضور داشت و در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ نامزد می‌شد، آیا کسی در صلاحیت کامل ایشان برای ریاست جمهوری تردید داشت؟! این معادله که رئیس جمهور نظامی باشد یا نباشد یک مغفله است. اگر فردی نظامی نامزد شود، باید به دانش، تجربه و صلاحیت او نگریست.» این سخن با واکنش حامیان‌الدین آشنا، رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک و مشاور رئیس جمهور، مواجه شد. او در پاسخ به مهاجرانی نوشت: «وقتی نوشتیم «بگذاریم حاج قاسم در قله اسطوره‌های دفاع از حریم و حرم بماند»، آن بازگرمه با آقای جهانگیری تماس گرفت و بیغلی می‌داد که بسیار روشن و آموزنده بود. کاش ایشان آن پیام را بازگو کند یا دیگری که نظر آن شهید را در مورد احتمال کاندیدای شدن می‌دانند لب‌باز کنند و حقیقت را بگویند.»

تغییر جبهه به کدام سو؟

یک چهره رسانه‌ای نزدیک به محافل اصلاح‌طلب نیز به این موضع مهاجرانی واکنش صریح‌تری نشان داد و از او خواست که گام‌هایش برای تغییر جبهه را آرام‌تر بردارد. مصطفی فقیهی، مدیرمسئول سایت انتخاب در یادداشتی تکراری در این باره نوشت: «وزیر ارشاد دولت اصلاحات که چندصاحب‌حسب، مواضع متفاوت اتخاذ می‌کند، گفته «این معادله که رئیس جمهور نظامی باشد یا نباشد یک مغفله است»، که پاسخ دادم «می‌فرماید امام خمینی در مورد ورود نظامیان به عرصه سیاست، مغفله کرد.» «جناب مهاجرانی» من که چنین تصویری از جنایتان را محال می‌دانستم، اما حال که چنین «مدار» و معبری را برگزیده‌اید، بهتر است بدانید و لاقبل به خاطر گذشته‌های چوچان ویژه و منحصر به‌فردا دقت فرمایید؛ شما که سیاست‌پیشه‌ای کیس و دبرین هستید، لطفاً گام‌ها و قدم‌ها را برای تغییر جبهه، اندکی آرام‌تر بردارید که لاقال مخاطب عام، این چرخش آندیشگی را چنین سهل باور نکنند.» فقیهی این تغییرات مهاجرانی را برای جلب رضایت محافل اصول‌گرا می‌داند، اما می‌نویسد که رضایت آن‌ها به این راحتی جلب نمی‌شود. او خطاب به مهاجرانی نوشت: «بنابند و مطمئن باشید که هر چه تقلا کنید و برای خوشایند این و آن، بغلتید و جهد و کوشش کنید، برای کیهان (به‌عنوان نماد بخش قدرتمندی از حاکمیت) نه «عطاالله» که همان عنوان توهمین آمیز «به‌الله» هستید.» برخی گمانه‌زنی‌های این تغییرات در نوشته‌های مهاجرانی را به احتمال با مقدمه‌چینی برای بازگشت به داخل کشور مرتبط دانسته‌اند، موضوعی که حتی سبب شد در روزهای گذشته خبریازگشت او در برخی رسانه‌ها منتشر شده شایعه‌ای که البته با تکذیب همسرش جمیله کدویر روبه‌رو شد.

هجرت‌های مهاجرانی

مهاجرانی در سده دهه گذشته عملکردش به نام خانواده‌گرایی شباهت پیدا کرده است. هجرت از نقطه‌ای به نقطه دیگر چه در دنیای عینی و چه در جهان ذهنی، او در ابتدای برآمدن احمدی‌نژاد و فشار بر اصلاح‌طلبان، هجرت به سرزمینی را انتخاب کرد که خود به تنهایی در مظان اتهامات بی‌شمار بود. کشور انگلستان و شهر لندن در چند دهه گذشته می‌تواند برای هر سیاستمدار ایرانی یک اتهام باشد. در این دو دهه نیز جبهه‌جایی ذهنی متعددی داشت. در حوادث هشدهشت و هشتاد از یک مخالف احمدی‌نژاد به منتقد نظام تبدیل شد و در چندسال اخیر نیز به گونه‌ای موضع‌گیری کرده است که نشان می‌دهد با فاصله‌اش با خاستگاه سیاسی خود یعنی اصلاح‌طلبی را بیشتر کرده و به اصول‌گرایان مخالف پیشینه خود توجه بیشتری دارد.